

تکیه دولت؛ بازنمایی تداوم و تحول یک سنت آیینی-شیعی



• زینب عیوضی *

چکیده

تکیه دولت، به عنوان یکی از مهم‌ترین بناهای آیینی دوران قاجار، محل تلاقی دین و سلطنت در قالب نمایش‌های مذهبی بود. با این حال، در ادبیات پژوهشی موجود، این پرسش بی‌پاسخ مانده که آیا این نهاد محصول گسستی نوآورانه در دوره قاجار بود یا امتداد سنتی دیرپا از عصر صفوی. این مقاله بر آن است تا نشان دهد تکیه دولت نه تنها ادامه‌دهنده سنت‌های آیینی صفوی بود، بلکه با سازمان‌دهی رسمی‌تر و نمایشی‌تر، ابزار مؤثرتری برای بازنمایی مشروعیت سلطنت شیعی فراهم آورد. برای این منظور، این پژوهش با تحلیل تطبیقی و تاریخی گزارش‌های سیاحان اروپایی از عزاداری محرم در دوره‌های صفوی و قاجار، در کنار پژوهش‌های نظری معاصر، در چارچوب مفهومی «تئاتر دولت»، سه بُعد معماری، آیینی، و گفتمانی تکیه دولت را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که عناصر بنیادین این سنت (تأکید بر مظلومیت، نظم تعزیه، مشارکت رسمی حکومت، و پیوند ساختاری میان آیین و قدرت) از همان ابتدای دوره صفوی شکل گرفته و در دوره قاجار صرفاً در قالبی نهادینه‌تر و نمایشی‌تر بازتولید شده است. بر این اساس، نویسنده این مقاله نتیجه می‌گیرد که تحول شکلی تکیه دولت، جوهره سیاسی-مذهبی این سنت را دگرگون نکرده، و درک آن به عنوان امتداد گفتمان مشروعیت‌بخش صفوی، خوانشی پیوسته‌تر از پیوند دین، سیاست و نمایش در تاریخ ایران به دست می‌دهد.

واژگان کلیدی: تکیه دولت، تشیع، صفوی، قاجار، تاریخ ایران

* دکتری، تاریخ ایران بعد از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. مقدمه

تکیه دولت به عنوان یکی از شناخته شده ترین بناهای آیینی دوران قاجار، نه تنها فضای برگزاری مراسم مذهبی بود، بلکه در مقام صحنه ای نمادین، پیوند میان سلطنت و مذهب را بازنمایی می کرد. در ادبیات پژوهشی موجود درباره این بنا، دو خوانش عمده در برابر یکدیگر قرار دارند: گروهی از پژوهشگران، با تمرکز بر ابعاد معماری و نمایشی تکیه دولت-به ویژه شباهت آن به تئاترهای اروپایی که ناصرالدین شاه در سفر فرنگ از نزدیک دیده بود-آن را نوآوری متمایز دوره قاجار و محصول گفتمان مدرنیزاسیون ناصری می دانند؛ گسستی که ایران را با الگوهای نمایشی وارداتی غربی پیوند می داد. در برابر این خوانش، برخی دیگر از پژوهشگران، از جمله رحیمی در مطالعه آیین های محرم عصر صفوی، بر تداوم بنیادین این سنت آیینی-سیاسی از دوره صفوی تأکید می کنند. این مقاله در امتداد این جریان دوم قرار می گیرد و بر آن است تا نشان دهد که تکیه دولت، به رغم نوآوری های صوری اش، در جوهره خود امتداد همان سنت عزاداری عصر صفوی بود.

پرسش محوری این پژوهش آن است که رابطه میان تکیه دولت دوره قاجار و سنت های عزاداری عصر صفوی چگونه باید فهمیده شود؛ آیا باید آن را گسستی نوآورانه در تاریخ آیین های مذهبی ایران دانست، یا تداومی معنادار از سنتی دیرپا که صرفاً صورت بندی تازه ای یافته است؟ استدلال اصلی مقاله آن است که تکیه دولت نه به مثابه گسستی در آیین های مذهبی، بلکه به عنوان تداومی معنادار از سنت های عزاداری عصر صفوی عمل کرد؛ قاجاریان با بهره گیری از این نهاد، گفتمان مشروعیت بخش خود را در قالبی آیینی-نمایشی تقویت کرده و از طریق آن، حضور خود را در حافظه جمعی جامعه ایرانی تثبیت نمودند.

از نظر چارچوب نظری، این مقاله از مفهوم «تئاتر دولت» بهره می گیرد؛ مفهومی که نخست توسط کلیفورد گیرتز در مطالعه آیین های بالی صورت بندی شد^۱ و

سپس توسط رحیمی برای تحلیل آیین‌های محرم عصر صفوی به کار گرفته شد.^۲ در این چارچوب، نمایش‌های آیینی صرفاً ابزار مشروعیت‌بخشی به نخبگان نیستند، بلکه خود عرصه اصلی ساخته‌شدن و بازتولید قدرت دولت‌اند. تکیه دولت را می‌توان نمونه‌ای قاجاری از همین الگوی نظری دانست: نهادی که در آن، سلطنت نه صرفاً حامی آیین، بلکه کارگردان، برگزارکننده و بهره‌بردار نهایی از قدرت نمادین آن بود.

از نظر روش‌شناختی، این پژوهش با تحلیل تطبیقی و تاریخی گزارش‌های سیاحان اروپایی از عزاداری محرم در دوره‌های صفوی و قاجار-از جمله دلاواله، اولتاریوس، اولیا چلی، فلاندن، فووریه، و لیدی شیل-در کنار پژوهش‌های تاریخی و نظری معاصر درباره تعزیه و تئاتر دولت، به بازسازی این پیوستگی تاریخی می‌پردازد. این مقاله برای فهم جایگاه تکیه دولت در ساختار گفتمانی حکومت قاجار، آن را در امتداد سنت‌های آیینی پیشین، به ویژه عزاداری صفوی، تحلیل می‌کند و بر سه بُعد اصلی تمرکز دارد: بُعد معماری و فضایی بنا، بُعد آیینی و اجرایی مراسم تعزیه، و بُعد گفتمانی-سیاسی پیوند دین و سلطنت.

ساختار مقاله بدین ترتیب است: بخش نخست به بررسی پایه‌های آیین عزاداری در دوره صفوی و پیوند آن با مشروعیت سیاسی می‌پردازد. بخش دوم، سیر تحول این سنت از صفویه تا قاجاریه، از جمله دوره‌های افشاریه و زندیه، را دنبال می‌کند. بخش سوم به تحلیل تکیه دولت به مثابه فضا، نمایش و سیاست اختصاص دارد. بخش چهارم، نقش تکیه دولت را در گفتمان مشروعیت‌بخشی قاجار بررسی می‌کند و بخش پنجم، استمرار سنت آیینی-نمایشی صفوی را در قالب تکیه دولت جمع‌بندی می‌نماید. در پایان، نتیجه‌گیری مقاله، یافته‌های اصلی پژوهش را در پرتو پرسش محوری آن ترکیب و تحلیل می‌کند.

۲. آیین عزاداری در دوره صفوی: پایه‌های یک سنت سیاسی-مذهبی

از ابتدای دوره صفوی، آیین عزاداری محرم به شکلی گسترده مورد حمایت ساختار سیاسی قرار گرفت. این موضوع نقش مهمی در تثبیت گفتمان سلطنت شیعی داشت. دسته‌های عزاداری، روضه‌خوانی و شکل‌های ابتدایی شبیه‌خوانی از جمله عناصر اصلی این آیین بود. گزارش پیتر و دلاواله از عزاداری در شهر اصفهان در سال ۱۰۲۷ هجری نشان می‌دهد که تا آن زمان، عناصر اصلی آیین‌های عاشورا مانند پوشیدن لباس سیاه، پرهیز از طرب، حضور عمومی، روضه‌خوانی در میدان‌ها و مشارکت عاطفی مردم در قالب گریه و سینه‌زنی، کاملاً شکل گرفته بود.^۳

شاهان صفوی نه تنها از این آیین حمایت می‌کردند، بلکه با مشارکت در آن، تصویری از سلطنت شیعی و مشروع در ذهنیت عامه تثبیت می‌کردند. گزارش اولناریوس از مراسم مقتل خوانی در قفقاز تحت حکومت صفوی، نشان می‌دهد که تا میانه سده یازدهم هجری، سنت‌های سوگواری شیعی نه تنها در مرکز ایران بلکه در مرزهای شمالی آن نیز با شکلی منسجم، گروهی و مبتنی بر متن مقتل اجرا می‌شده است؛ سنتی که به وضوح بیانگر پیوند دین و قدرت در سپهر عمومی صفویان است.^۴

عزاداری عصر صفوی، هم بُعد دینی و هم بُعد سیاسی داشت و در خدمت مشروعیت‌بخشی به قدرت بود. گزارش اولیا چلبی از مراسم عاشورا در تبریز عصر صفوی، به خوبی نشان می‌دهد که آیین‌های عزاداری چگونه با مشارکت حکمرانان، خرده‌نهادهای مردمی، و جلوه‌های نمایشی اولیه، به ابزاری برای پیوند عاطفی، اجتماعی و سیاسی میان مردم و حکومت تبدیل شده بود.^۵ این حمایت آشکار، باعث شد مراسم محرم به تدریج از یک مناسک صرفاً مذهبی به

۳- دلاواله؛ سفرنامه پیتر و دلاواله، صص ۹۹-۱۰۱.

۴- اولناریوس؛ سفرنامه اولناریوس، ص ۷۳.

۵- اولیا چلبی؛ ایران در سیاحت‌نامه اولیا چلبی، صص ۳۶-۳۴.

ابزاری برای نمایش وفاداری به ساختار سیاسی تبدیل شود. علاوه بر این، صفویان کوشیدند با تعمیق پیوند میان عاشورا و هویت شیعی ایرانی، گفتمانی مذهبی-سیاسی بنا کنند که در دوره‌های بعد نیز الهام‌بخش بود.^۶

رحیمی در تحلیل خود از فرایند شکل‌گیری این مشروعیت نشان می‌دهد که نظم سیاسی صفوی به طور رسمی مشروعیت را به سلسله امامی-پدرشاهانه خاندان صفوی محدود کرد؛ نخستین سند این ادعا هنگامی است که اسماعیل اول نام خود را «اسماعیل بن حیدر الحسینی» در دیوان امضاء کرد و پیوند خاندان صفوی با امامان شیعه در متن صفوة‌الصفاء تأکید شد. بنا بر تحلیل رحیمی، این سازوکار نسب‌سازی، از همان آغاز حکومت صفوی، مشروعیت سیاسی را به طور ساختاری به روایت دینی عاشورا گره زد.^۷

۳. از صفویه تا قاجار: استمرار یک سنت و زمینه‌های تحول

با فروپاشی دولت صفوی، آیین عزاداری نه تنها از میان نرفت، بلکه در دوره‌های افشار و زند نیز ادامه یافت، گرچه با شدت و سازمان‌یافتگی کمتر. گزارش‌هایی از برگزاری مراسم عاشورا و تعزیه در برخی شهرهای ایران در دوره‌های افشار و زند، نشان می‌دهد که این سنت همواره تداوم یافت.^۸

با روی کار آمدن قاجاریه، این آیین بار دیگر در مرکز توجه قرار گرفت. قاجارها که همواره نیازمند تحکیم مشروعیت دینی خود بودند، سنت عزاداری شیعی را از دوره صفوی اقتباس کرده و آن را در قالب‌هایی تازه سامان دادند. زمینه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی دوران قاجار، از جمله رقابت با نهادهای مذهبی مستقل و ضرورت همبستگی اجتماعی در شهری چون تهران، سبب شد که آیین‌های عزاداری تداوم یافته و شکلی نهادینه‌تر و منسجم‌تر به خود بگیرند. حکومت قاجار دریافت که آیین‌های مذهبی می‌توانند به مثابه زبانی مشترک، تسهیل‌گر رابطه میان

6- Rahimi, Theater State, p 201.

7- Ibid, p. 176.

۸- پیتر چلکوسکی؛ تعزیه: نمایش و نمایش در ایران.

سلطنت و مردم باشند. این امر را می‌توان با تحلیل نظری رحیمی از سیر شکل‌گیری «تئاتر دولت» صفوی توضیح داد: به باور او، حمایت رسمی حکومت از آیین‌های عزاداری که از دوره شاه عباس اول رو به گسترش گذاشت، سیاست را به نمایشی بدل کرد که فرایندهای زیبایی‌شناختی مشروعیت‌بخش و عقلانی‌کننده قدرت را آشکار می‌ساخت.^۹ قاجاریه با احیای این کارکرد نمایشی-مشروعیت‌بخش، همان منطق سیاسی-آیینی را در بستری تازه بازتولید کردند. این پیوستگی را دیکن نیز در جمع‌بندی تحلیلی خود از سیر تحول تعزیه‌خوانی تأیید می‌کند: به باور او، این سنت تصویر تعزیه‌خوانی‌ای را نشان می‌دهد که به طور ادواری از سوی طبقه حاکم پذیرفته می‌شد، اما خاستگاه و تداوم آن، در وهله نخست، ریشه در ایمان و مشارکت عامه مردم داشت، نه در حمایت دولتی از ابتدا.^{۱۰} بنابراین، آنچه در دوره قاجار رخ داد، نه پیدایش یک نهاد دولتی تازه، بلکه گسترش و رسمی‌تر شدن پیوندی بود که پیش‌تر میان مردم و آیین شکل گرفته بود.



عزاداری محرم در دوران قاجار

9- Rahimi, Theater State, p. 13.

10- Deacon, Karbala in the Ta'ziyeh Episode, p. 231.

۴. تکیه دولت: فضا، نمایش و سیاست

تکیه دولت در زمان ناصرالدین شاه ساخته شد و به سرعت به مهم‌ترین فضای آیینی-سیاسی پایتخت تبدیل گردید. این بنا با معماری دایره‌ای و سکوه‌های طبقاتی، شباهتی چشمگیر به تئاترهای اروپایی داشت و همین امر آن را به صحنه‌ای برای نمایش قدرت در قالب آیین‌های مذهبی بدل می‌کرد. در ایام محرم، نمایش‌های تعزیه در این فضا برگزار می‌شد و شاه، درباریان، و حتی مهمانان خارجی در آن شرکت می‌کردند.^{۱۱} ساخت این بنا به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۳ هجری قمری آغاز شد و نخستین اجرای تعزیه در آن در سال ۱۲۹۱ هجری قمری برگزار گردید.^{۱۲} روایت رایجی که علاقه شاه به فضایی بدون سقف را با آرزوی شباهت به تالار آلبرت لندن پیوند می‌دهد، از نظر گاه‌شماری محل تردید است، چراکه سفر ناصرالدین شاه به لندن (۱۸۷۳) چند سال پس از سفارش ساخت تکیه دولت روی داد.^{۱۳}

توصیف جهانگردان فرنگی از جزئیات برگزاری تعزیه در دوره قاجار، گویای آن است که این آیین تا چه اندازه به صحنه‌ای نمایشی و عمومی بدل شده بود.^{۱۴} حضور حکومت در مرکز آیین، این پیام را منتقل می‌کرد که سلطنت قاجار، هم حافظ شریعت و هم نماینده مشروع آن است. خود شاه، گاه در جایگاه نظاره‌گر ویژه و گاه به مثابه متولی اصلی این نمایش ظاهر می‌شد، گویی که پادشاه، مجری و پاسدار عینی آیین عزاداری است.

گزارش فوریه، پزشک فرانسوی دربار ناصرالدین شاه، به خوبی نشان می‌دهد که تکیه دولت محلی ساده برای عزاداری نبود؛ این فضا با طراحی خاص، جایگاه‌های طبقاتی، حضور سازمان‌یافته شاه و درباریان، و اجرای منظم تعزیه، به

۱۱- جمشید ملک‌پور؛ درام اسلامی.

12- Deacon, Karbala in the Ta'zīyeh Episode, pp. 39-40.

13- Ibid, p. 40.

۱۴- اوژن فلاندن؛ سفرنامه فلاندن به ایران، صص ۱۱۷-۱۱۹.

صحنه‌ای رسمی برای نمایش پیوند دین و قدرت در دوره قاجار تبدیل شده بود.^{۱۵} برگزاری این آیین‌ها با نظم نمایشی و مشارکت دولتی، نقشی کلیدی در بازنمایی مشروعیت سلطنت و تقویت حافظه جمعی شیعی ایفا می‌کرد.



برگزاری تعزیه در دوره قاجار

روایت لیدی شیل از اجرای تعزیه‌های دولتی پیش از ساخت تکیه دولت، نشان می‌دهد که حتی در تکیه‌های اولیه مانند تکیه عباس‌آباد نیز، تعزیه به مثابه نمایشی آیینی با مشارکت رسمی شاه و صدراعظم، حضور رجال سیاسی و نمایندگان خارجی، و به شکلی تئاترگونه اجرا می‌شده است؛^{۱۶} ساختاری که بعدها در تکیه دولت به اوج نهادینه‌سازی خود رسید. تحلیل دیکن از مشارکت زنان دربار در این سنت، ابعاد دیگری از این نهادینه‌سازی را آشکار می‌کند: به گزارش او، بهترین اجراهای تعزیه زنانه در همان دوره، در اندرونی خود شاه برگزار می‌شد و مشارکت زنان خاندان سلطنتی در سازمان‌دهی و کارگردانی این نمایش‌ها، نشان می‌دهد که پیوند میان دربار و آیین عزاداری، محدود به فضای رسمی و مردانه تکیه دولت

۱۵- ژوآنس فوروپه؛ سه سال در دربار ایران، صص ۱۱۱-۱۰۸.

۱۶- ماری شیل؛ خاطرات لیدی شیل: همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه، ص ۶۸.

نمود، بلکه تا عمق نهاد سلطنت و خانواده حکومتی نیز گسترش یافته بود.^{۱۷}



زنان در مراسم عزاداری زمان قاجار

۵. تکیه دولت و گفتمان مشروعیت قاجار

توجه ویژه به سنت تعزیه خوانی در تکیه‌ها، و به طور مشخص در تکیه دولت، نه به معنای خلق یک آیین نمایشی تازه از سوی قاجاریان، بلکه تلاشی برای بازنمایی مجدد گفتمانی دیرپا بود که ریشه در سنت‌های صفوی داشت و اکنون در قالبی تازه و نهادینه شده، استمرار می‌یافت. همان‌گونه که گفتمان عاشورا از طریق متون روایی-عاطفی نظیر روضه‌الشهدا در دوره صفوی تثبیت شد و حافظه جمعی شیعیان را سامان داد،^{۱۸} در این دوره نیز با بهره‌گیری از همین مضامین و با انتقال آن‌ها به فضای نمایشی-دولتی، نوعی بازآفرینی آیینی از مشروعیت دینی حکومت ارائه شد.^{۱۹}

ساختار سیاسی در این فضا، نقش تنظیم‌گر و کارگردان آیین را ایفا می‌کرد: از انتخاب تعزیه‌گردانان تا طراحی صحنه‌ها، همگی تحت نظارت دربار بود. بدین

17- Deacon, *Karbala in the Ta'ziyeh Episode*, pp. 45-46.

۱۸- زینب عیوضی؛ «برآمدن، تداوم و تحول گفتمان ادبیات عاشورایی در متن روضه‌الشهدا»

۱۹- عباس امانت؛ قبله عالم: ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران، صص ۵۶۵-۵۶۶.

ترتیب، حکومت نه تنها حافظ آیین بود، بلکه خود را متولی اجرای آن می‌دانست. مشارکت در تعزیه‌ها، حضور درباریان و مدیریت کلان این فضا، بازتابی از تداوم همان رابطه میان مذهب و سلطنت بود که از دوره صفوی به یادگار مانده بود. این مشارکت نه فقط در سطح نمادین، بلکه در سطح دعوت رسمی از میهمانان خارجی توسط خاندان سلطنت نیز جلوه‌گر بود.^{۲۰} تکیه دولت، ساختار سیاسی را در مرکز آیین عزاداری قرار می‌داد، نه به عنوان حامی صرف، بلکه به عنوان کارگردان، برگزارکننده، و بهره‌بردار نهایی از قدرت آیینی. این امر، جلوه‌ای از حکومتی بود که مشروعیت خویش را نه فقط از شمشیر یا دیوان‌سالاری، بلکه از دل سوگواری و مناسک مذهبی مقبول نزد مردم می‌طلبد. این پیوند میان مظلومیت امام حسین(ع) و روح نمایشی دولت، دقیقاً همان نکته‌ای است که رحیمی در جمع‌بندی تحلیلی خود از خصلت تئاتری دولت صفوی بر آن تأکید می‌کند: به باور او، شهادت امام حسین(ع) در کربلا، روح نمایشی دولت را در کالبد هنوز قربانی نشده مشارکت‌کنندگان آیینی متجسد می‌ساخت.^{۲۱} این خوانش نشان می‌دهد که مظلومیت، نه صرفاً مضمونی عاطفی در حاشیه آیین، بلکه هسته مرکزی‌ای بود که خصلت تئاتری دولت-چه در صفویه و چه در قاجاریه-حول آن سازمان می‌یافت.

۶. استمرار سنت آیینی-نمایشی صفوی در قالب تکیه دولت

برخی تفاوت‌های فرمی و نمایشی میان عزاداری صفوی و قاجاری نباید ما را به اشتباه بیندازد: تکیه دولت، ادامه همان آیین‌های عمومی صفوی بود، نه انقطاعی از آن. محتوای تعزیه، الگوهای روایی، مضمون شهادت و مفهوم مظلومیت، همگی ریشه در سنتی داشت که در دوره صفوی شکل گرفته بود. آنچه در دوره قاجاریه رخ داد، افزودن ابزارهای نمایشی و ساختاری بود، نه تغییر در جوهره آیین. قاجاریه، به جای اختراع سنتی تازه، سنت پیشین را در قالبی نو تقویت کردند

۲۰- اوژن فلاندن؛ سفرنامه فلاندن به ایران.

و به این ترتیب، گفتمان مشروعیت دینی-سیاسی را در مسیر تداوم حفظ نمودند. در واقع، تکیه دولت را باید نوعی بازتأکید بر پیوند مذهب و سلطنت دانست، اما در قالبی که با اقتضائات شهرنشینی، نمایش گرایی، و بازنمایی قدرت در فضای عمومی قرن نوزدهم سازگار شده بود. تحلیل دیکن از سیر تحول تعزیه در دوره قاجار، ساز و کار دقیق این سازگاری را روشن می‌کند: به باور او، بیش از نیم قرن حمایت پیوسته دولتی (از اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه تا مرگ ناصرالدین‌شاه) شرایط مساعدی برای تحول این سنت فراهم آورد؛ روند تکیه‌سازی در شهرها و شکل‌گیری حلقه‌ای حرفه‌ای از هنرمندان تعزیه، اجراها را در فضایی محصور و سازمان‌یافته‌تر جای داد و آن‌ها را هرچه بیشتر صیقل یافته و صحنه‌پردازی شده ساخت.^{۲۲} به بیان دیگر، آنچه در دوره قاجار تغییر کرد، درجه سازمان‌یافتگی و صیقل نمایشی آیین بود، نه محتوا و جوهره دینی-سیاسی آن.



نمای بیرونی تکیه دولت

۷. نتیجه گیری

این پژوهش نشان داد که تکیه دولت نقطه گسست از سنت‌های پیشین نیست، بلکه نماد تداوم آیینی است که از دوره صفوی آغاز شده بود. بررسی گزارش‌های سیاحان اروپایی از عزاداری محرم در اصفهان، تبریز و قفقاز عصر صفوی نشان داد که عناصر بنیادین این سنت (سیاه‌پوشی، روضه‌خوانی در میدان‌ها، مشارکت عاطفی مردم، و مهم‌تر از همه، مشارکت رسمی و آشکار ساختار سیاسی) از همان سده‌های نخست حکومت صفوی شکل گرفته بود. این آیین، حتی پس از فروپاشی دولت صفوی، در دوره‌های افشاریه و زندیه با شدتی کمتر اما تداومی بی‌وقفه به حیات خود ادامه داد، تا آنکه با روی کار آمدن قاجاریه، بار دیگر در کانون توجه سیاسی قرار گرفت.

تکیه دولت، به عنوان تبلور معماری و نهادی این سنت دیرپا، نشان داد که قاجاریان نه با اختراع سنتی تازه، بلکه با بهره‌گیری از همان میراث صفوی، شکل تازه‌ای به نمایش آیینی بخشیدند. تحلیل ابعاد معماری، آیینی و گفتمانی این بنا آشکار کرد که سلطنت قاجار در این فضا نه صرفاً حامی مراسم، بلکه کارگردان، برگزارکننده و بهره‌بردار نهایی از قدرت نمادین آیین بود؛ نقشی که با چارچوب نظری «تئاتر دولت» و امتداد آن از عصر صفوی به دوره قاجار، به روشنی قابل تبیین است. همان‌گونه که رحیمی در جمع‌بندی تحلیلی خود نشان می‌دهد، بنیادهای فرهنگی‌ای که در سده هفدهم میلادی در اصفهان صفوی شکل گرفت، زمینه‌ساز هویت جمعی ایرانی در دوره قاجار شد؛ شبکه‌های اجتماعی سازمان‌دهنده آیین‌های محرم-از جمله لوطیان و انجمن‌های فتوت-در دوره قاجار نیز به حیات خود ادامه دادند و پیوند میان دستجات عزاداری، اصناف، و روحانیت را در سطح شهری تحکیم کردند.^{۲۳}

نابراین، تکیه دولت بیش از آن‌که نشانه بازآفرینی یا نوآوری باشد، تبلور ادامه‌یافتن گفتمان آیینی صفوی در قالبی نهادی‌شده و متناسب با اقتضانات شهرنشینی و نمایش‌گرایی روزگار قاجاری است. اهمیت این یافته فراتر از تاریخ یک بنای واحد

می‌رود: درک تکیه دولت به‌عنوان استمرار عزاداری صفوی، ما را از تحلیل‌های گسست‌محور و مدرنیزاسیون‌محور دور می‌کند و امکان می‌دهد فهمی تاریخی‌تر، پیوستارتر و زمینه‌مندتر از پیوند دین، سیاست، و نمایش در تاریخ ایران به دست آوریم. این خوانش همچنین پرسش‌های تازه‌ای می‌گشاید که بررسی آن‌ها از فرصت این مقاله بیرون است: سرنوشت این گفتمان آیینی-سیاسی پس از تخریب تکیه دولت در دوره پهلوی، و نیز مقایسه تطبیقی آن با سنت‌های مشابه عزاداری در دیگر جوامع شیعی منطقه، می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد. آنچه مسلم است، تکیه دولت، در مقام آخرین و کامل‌ترین تجلی این سنت دیرپا، پیوستگی عمیق میان دین، سلطنت و نمایش را در حافظه جمعی ایرانیان برای نسل‌ها تثبیت کرد.



تابوت ناصرالدین‌شاه پیش از خاکسپاری در ایوان ویژه «تکیه دولت» قرار داشت.

منابع

- امانت، عباس، قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران، ترجمه حسن کامشاد، تهران: مهرگان، ۱۳۸۳.
- اولئاریوس، آدام، سفرنامه اولئاریوس، ترجمه احمد پهبور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳.
- چلبی، اولیا، ایران در سیاحت نامه اولیا چلبی، ترجمه داود بهلولی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸.
- چلکوسکی، پیتر، تعزیه: نیایش و نمایش در ایران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- دلاواله، پیتر، سفرنامه پیتر دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- شیل، ماری، خاطرات لیدی شیل: همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، تهران: نشر نو، ۱۳۶۸.
- عیوضی، زینب، «برآمدن، تداوم و تحول گفتمان ادبیات عاشورایی در متن روضه الشهدا»، همایش هیات و آیین های مذهبی، تهران، ۱۴۰۲.
- فلاندن، اوژن، سفرنامه فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ سوم، تهران: اشراقی، ۱۳۵۶.
- فووریه، ژوانس، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، عباس: تهران: نشر علم، ۱۳۸۵.
- ملک پور، جمشید، درام اسلامی، ترجمه فرزام حقیقی، تهران: انتشارات بیدگل، ۱۳۹۹.

- Rahimi, Babak. *Theater State and the Formation of Early Modern Public Sphere in Iran: Studies on Safavid Muharram Rituals 1590-1641 CE*, Brill Publisher, Leiden and Boston, 2012.

- Deacon, Lucy. *Karbala in the Ta`ziyeh Episode: Shi`i Devotional Drama in Iran*, Brill Publisher, Leiden and Boston (Open Access), 2025.
- Geertz, Clifford. *Negara: The Theatre State in Nineteenth-Century Bali*, Princeton University Press, Princeton, 1980.

از این قلم:

- «بحران، گسست و تداوم: بازاندیشی در پایداری هویت تاریخی ایران»، فصلنامه حیات کاشانه ما، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵.
- «بازخوانی یک روایت داستانی-تاریخی از نبرد چالدران»، فصلنامه حیات کاشانه ما، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵.
- «بازنمایی داعیه‌های سیاسی، مذهبی، و فرهنگی حاکمیت صفویان در داستان عامیانه حسین کرد شبستری»، کهن‌نامه ادب پارسی، دوره ۱۳، شماره ۱، تابستان ۱۴۰۱.
- «بررسی تغییرات مذهبی رساله‌های تعبیرخواب از دوره تیموری به عصر صفوی و قاجار»، مطالعات تاریخ اسلام، دوره ۱۱، شماره ۴۲، پائیز ۱۳۹۸.